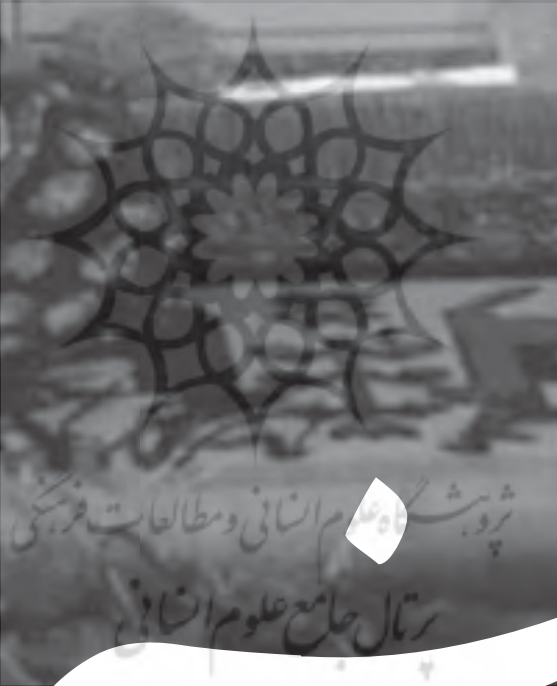


# برجستان

پروژه پژوهش‌های علمی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی





## اشاره

در این مقاله هنر به منزله پدیده‌ای اجتماعی و روانشناختی بررسی می‌شود، سپس ضرورت نیاز جامعه کنونی به فراهم کردن زمینه‌های انگیزشی هنر، همچون نیازی مبنایی در زندگی مدرن و صنعتی امروزی برای پیش‌برد بسیاری از اهداف و حرکت‌های مثبت و ایجاد جامعه‌ای سالم و بهره‌مند از دست‌آوردهای هنری ارزشمند توضیح داده شده است.

**کلیدواژه‌ها:** پیشه، هنر، صنایع دستی، چوبی، فلزی.

## مقدمه

در زمانه‌ای به سر می‌بریم که رویکردهای علمی به مسأله هنر، به ویژه در جامعه‌شناسی و روانشناسی اجتماعی ضروری به نظر می‌رسد و هر چه در این زمینه سخن گفته شود باز از جایگاه ویژه آن کاسته نخواهد شد و هر چه از در هر زمینه و مقوله هنری تلاش شود، گامی است برای روشن تر شدن مسائل هنر و به در آمدن هنر از انزوای اجتماعی که باب‌های نوینی را در عرصه مطالعات هنری و کاربرد هنر در این زمینه خواهد گشود.

باید توجه داشت که پرداخت‌های سراسیمه، سطحی و هر از گاهی چنین مسائل اساسی و علمی تنها به شکل صوری و نمایشی و گزارش‌ها و مطالعات

عجولانه، به ایجاد حرکت، چه بسا تلاش بی‌بهره و کوبیدن آب در هاون.

## لزوم مطالعات هنری در عرصه علوم اجتماعی

در ابتدا، «تنها به عنوان یک نظریه» اگر به وجود اندیشه یا شخصیت یا طبع مادرزاد اعتماد داشته باشیم، به طور قطع بسیاری از قانون‌ها و نظریه‌ها و نگرش‌های معتبر علمی، مانند «نظریه تکامل طبیعی» و نظریه «تکامل اجتماعی» را لزوماً باید رها کنیم و از حوزه علم بیرون رویم: قطعاً از مطالعه روانشناسی فردی به روانشناسی اجتماعی و سپس به مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی و دیگر علوم اجتماعی خواهیم رسید؛ بنابراین به راحتی خواهیم پذیرفت که اگر چه هنر زاده فطرت و شخصیت هنرمند است، برای شناخت آن به جامعه و تاریخ هنر بشری باید روی آورد؛ زیرا شخصیت فرد از آغاز زندگی مدنی در تمام ادوار تاریخی ساخته و پرداخته فطرت الهی و محیط اجتماعی وی بوده و هست؛ بنابراین به روشنی می‌توان گفت، خاستگاه واقعی هنر، فطرت و جامعه است و تاریخ گویای آن است که روش تحلیل جامعه‌شناختی هنر به روش‌های علوم تجربی چون نتیجه‌بخش نخواهد بود، انسان و جلوه‌های زندگی او بسیار پیچیده‌اند و صرفاً به مقوله‌های یک علم یا حتی یک رده از علوم شناخته‌شده، محدود نیست و نمی‌توان آن را بررسی کرد، بلکه برای مسئله زمینه تحول

اجتماع، بنیادانگاره و ملاک تحلیل باید شمرد و هنرشناسی را در دو قالب ایستا Static و پویا dynamic انجام داد.

### نگرش‌های گوناگون هنرشناسان به خاستگاه هنر

برخی از هنرشناسان بزرگ اعتراف می‌کنند که هنوز کاری شایسته در این عرصه انجام نشده است و نظریه علمی و جامعی درباره تطوّرهای هنری نه در غرب و نه در شرق پدید نیامده است. برای شناخت دقیق‌تر هنرها و هر نمود ریشه‌دار اجتماعی دیگر باید در زمینه اجزای منشأ، و مسیر و حرکت‌های آن کنکاش کرد و سپس با بینش ژرف و پهن‌آور به تحلیل و بررسی پرداخت در چنین رویکردهایی تعریف و شناخت ساخت structure و کارکرد function اهمیت می‌دهد.

به دلیل اینکه هنر پیوسته و به ویژه در آغاز با همه فعالیت‌های زندگی انسان همراه بوده است، هیچ‌گاه نمی‌تواند پیش‌پا نیازی را به جدایی از سایر جلوه‌های زندگی بررسی کرد؛ بنابراین شناسایی خاستگاهی هنر و سیر آن و ساخت و کارکرد هنرهای در زمینه عمومی زندگی انسان، ضروری است. به اتکای دست‌آوردهای علوم اجتماعی باید گفت که شعر و موسیقی و حرکات موزون و پیکرنگاری و پیکره‌تراشی و دیگر فعالیت‌هایی که امروزه لفظ هنر به آن اطلاق می‌شود، با زندگی انسان آغاز شده‌اند. انسان ابتدایی همان‌گونه که ابزار کار و جنگ می‌ساخت و در جست‌جوی خوراک و پناهگاه بود، به کارهای هنری نیز دست می‌زد، پای کوبی و دست‌افشانی می‌کرد و نقش و نگار می‌آفرید. در کهن‌سال‌های هنر بحثی نیست. بحث این است که انسان خشن و بینوا و سرگردان ابتدایی، چرا در گیرودار زندگی پرتلاطم پیش از تاریخ به آفرینش هنری دست می‌زند و گرایش‌های هنری از خود بروز می‌دهد؟ آثار هنری اگر از تجمعی بهره‌رسان نمی‌بودند، هیچ‌گاه به وجود نمی‌آمدند. باید دید که بهره‌رسان ابتدایی از هنر آفرینی چه بوده است؟ بیشتر این نگرش‌های گوناگون فیلسوفان و هنرشناسان غریزه‌گرای (instinctivist) یا نهادگرای (nativist) هستند؛ به این معنی که هنر آفرینی و نیز هنردوستی را مانند خوردن و خوابیدن و درآمیختن نیازی فطری یا مادرزاد می‌شمارند. در پژوهشی در منشأ هنر، هشت نگرش ذکر شده است:

۱. هنرها از غریزه بازی سرچشمه می‌گیرند؛
۲. هنر از غریزه تزئین پدید می‌آید؛
۳. هنر از غریزه خودنمایی زاده می‌شود؛
۴. هنر از اتحاد غریزه بازی و خودنمایی به وجود می‌آید؛
۵. هنرها محصول تلطیف غریزه سازندگی هستند؛
۶. هنر از غریزه جنسی برمی‌خیزد؛
۷. هنرها از تلطیف انگیزه‌های فطری گوناگون تحقق می‌یابند؛
۸. هنرها در آغاز برای رفع برخی از نیازهای زندگی به وجود آمده‌اند. بازی هرچه باشد، به اندازه هنر پیچیده و گوناگون نیست، هرگز نمی‌توان ریزه‌کاری‌ها و گوناگونی‌های آثار هنری را با مفهوم بازی همچون فعالیت غریزی بکنواخت تبیین کرد. هنر

عکس: هانف همایی

به دلیل اینکه هنر پیوسته و به ویژه در آغاز با همه فعالیت‌های زندگی انسان همراه بوده است، هیچ‌گاه نمی‌تواند پیش‌پا نیازی را به جدایی از سایر جلوه‌های زندگی بررسی کرد

رشد آموزش  
دوره هشتم  
شماره ۴  
تابستان ۱۳۹۰  
۵۴

به سبب اشتغال به مسئله‌های واقعی زندگی، از بازی، تمرین و تجربه‌اندوزی ساختگی بی‌نیاز و برکنار است. اگر هنر آفرینی را نوعی بازی و بازی را وسیله انطباق انسان بر محیط پنداریم، باید ادعا کنیم که انسان به جای برخورد و مبارزه واقعی، با فعالیت‌هایی چون ترانه‌خوانی و پیکره‌نگاری و تندیس‌سازی به شناختن و تغییر دادن محیط دست یافته است و البته چنین ادعایی با حقیقت‌های تاریخی سازگاری ندارد. طبق نظریه داروین، انسان و برخی دیگر از جانوران به اقتضای غریزه جنسی به زیبایی و زیبایی آفرینی می‌پرداختند. از دیدگاه هنرشناسی مانند گروسه (Grosse) و هورنس (Hocmes) از تصویرها و طرح‌هایی که بر دیوارهای برخی از غارهای فرانسه و اسپانیا کشف شده است، به خوبی برمی‌آید که انسان از ابتدای کار، از دوره پارینه سنگی به کشیدن تصویر، بسیار رغبت داشته است و بنابراین خودآرایی بر پیکرسازی مقدم نیست. پس هنرهای انسانی را نمی‌توان نوعی تزئین و محصول غریزه جنسی دانست. مردم‌شناسان به خوبی نشان داده‌اند که در جوامع ابتدایی نیز نمی‌توانیم تجلیات هنری را به استناد غریزه بازنمایی؛ زیرا در آن جوامع هم تنوع آثار هنری و رفتارهایی را می‌بینیم که معلول عللی غیر از غرایزند گروهی از هنرشناسان مانند کانت از دیرباز ویژگی‌های لاهوتی گوناگونی به انسان نسبت داده‌اند و مثلاً باور داشته‌اند که انسان برخلاف جانوران دیگر به حکم فطرت به زیبایی می‌گراید. به بیان دیگر انسان غریزه «زیبایی دوستی» دارد و خودبه‌خود از برخی از شکل‌ها و رنگ‌ها و صورت‌ها و جز این‌ها به سرور یا ابتهاج درمی‌آید. زیبایی دوستی برخلاف خوراک جویی و جفت‌خواهی و فرار از خطر، ضرورت حیاتی ندارد، پس نمی‌تواند در شمار فعالیت‌های غریزی باشد. انسان ابتدایی فطرتاً زیادوست بود، هرگز اصرار نمی‌ورزید که پیکرهای زیبای خود را روی یکدیگر بنگارد و از افزایش آن‌ها جلوگیری کند.

با آنکه افراد عنصرهای سازنده جامعه‌اند، حیات اجتماعی تابع قانون‌های حیات فردی نیست؛ چنان که صورت‌های متنوع ماده با آن که همه از ذره‌های مولکولی ساخته شده‌اند، خواص و قوانین

فعالیت است:

۱. ابزارسازی، ۲. گروه زیستی؛ ۳. سخن گویی؛ ۴. اندیشه‌ورزی. به طور خلاصه هنر آفرینی، نقاشی مجسمه‌سازی و رقص و... ناشی از زندگی عملی ابتدایی و بخشی از فعالیت‌های حیاتی اوست و از مبارزه با واقعیت زاده می‌شود و مانند ابزارسازی و سلاح‌سازی و تهیه خوراک و سایر کارها و اعمال تولیدی وسیله غلبه بر واقعیت است و ارزش حیاتی دارد. در زندگی ابتدایی انسان، هنر آفرینی همچون جادوگری به هیچ روی کاری بیهوده و تفتنی نیست. انسان ابتدایی، هرگز برای خیال‌پروری، سرگرمی، خودفریبی و درد دل گفتن هنر نمی‌آفرید. هنر ابتدایی در شمار ابزار کار و وسیله حل معضلات واقعی حیات است و البته بیان آرزوها و امیدها هست. دوگانگی نظر و عمل در زندگی ابتدایی راه ندارد. خیال و واقع متجانس پنداشته می‌شوند. کشیدن تصویری از حیوانی گرفتار در دام یا تیر، وسیله تسلط بر آن به شمار می‌رود. در دیده انسان ابتدایی، نمایش یک شیء یا ماده سخت (نقاشی و مجسمه‌سازی) یا با کلمات (ترانه‌خوانی) منجر به به دست آوردن آن شیء می‌شود و تقلید حرکات یک موجود یا حادثه در رقص، دست یافتن بر آن را میسر می‌کند. عملاً نیز چنین است: زیرا چنان که گفته شد، کارهای هنری افکار و امیال انسان ابتدایی را دگرگون می‌کند و در اعمال او مؤثر می‌شوند و به صورت جدی به تغییر واقعیت کمک می‌کنند.

در هنرهای بومی یا فولکلور ایران، تصویری مانند شیر می‌بینیم که در مواردی جان می‌گیرند و به حرکت درمی‌آیند. در واقع یکی شمردن خیال و واقعیت در ادبیات ایران، مثلاً در آثار نظامی انعکاس یافته است. همچنین تبدیل اشیا به موجودات جاندار و عکس آن، در قصه‌های کهن ایرانی آثار فراوان به جا مانده است.

گفتن این نکته کاملاً به جا و ضروری است که هنر اقوام ابتدایی، نتیجه زندگی عملی است و از مقتضیات واقعی حیات سرچشمه می‌گیرند. از آنچه گفته شد، دریافت می‌شود که خاستگاه نخستین هنرها، زندگی واقعی بوده است، فعالیت‌های هنری در آغاز جزء لاینفک فعالیت‌های ضروری حیات فردی و اجتماعی، روحی و روانی شمرده می‌شوند و به همین دلیل واقعیت به طور آشکار در آثار هنری انعکاس می‌یافت، شاید جهانی بودن "واقع‌گرایی ابتدایی" (primitive realism) یا طبیعت‌گرایی (naturalism) به همین نکته مربوط باشد.

هیچ نقاشی نگارذ زین نقش  
بی امید نفع، بهر عین نقش؟  
هیچ کوزه‌گر کند کوزه شتاب  
بهر عین کوزه، نی بر بوی آب؟  
هیچ کاسه‌گر کند کاسه تمام  
بهر عین کاسه، فی بهر طعام؟  
هیچ خطاطی نویسد خط به فن  
بهر عین خط، نه بهر خواندن؟  
مولوی

مستقل دارند. به این ترتیب ویژگی‌های اجتماعی را با ویژگی‌های فردی نباید تعبیر کرد، جامعه یا شبکه رابطه‌های میان افراد، مفهوم وسیعی دارد و مرکب از نمودهای فراوان است و به آسانی نمی‌توان یک نمود را در میان نمودهای دیگری پیگیری می‌کرد؛ بنابراین آنان که سرچشمه اجتماعی هنر را می‌جویند، الزاماً از اختلاف‌نظر ایمن نمی‌مانند. گروهی از هنرشناسان برآن‌اند که انسان ابتدایی به قصد آن که خود را در جامعه ممتاز گرداند و با عزت و احترام به سر برد، به خویش‌ن آرای و محیط‌آرای پرداخته است؛ بنابراین فعالیت هنری یکی از عوامل فرعی حیات اجتماعی، یعنی زیبایی‌پرستی یا امتیازطلبی است. امتیازهای اجتماعی هنگامی ظهور کردند که انسان که از صورت ابتدایی بیرون آمد و تا اندازه‌ای بر طبیعت مسلط شد و توانست فارغ از نیازهای روزانه در پی تجمل، تفنن و خودنمایی رود. اگر بگوییم که انسان طبعاً به هنر می‌گراید و می‌بالد، در آن صورت با تمام اشکال غریزه زیبایی‌دوستی روبرو می‌شویم. اگر بگوییم که انسان به اقتضای زندگی اجتماعی به هنر می‌گراید و می‌بالد، باید برای تبیین این اقتضا، پیش از آن اثبات کنیم که هنر ابتدایی متضمن فواید اجتماعی است. در جوامع ابتدایی کنونی، هنر آفرینی وسیله خودنمایی با کسب امتیازهای اجتماعی نیست؛ بنابراین چون نمی‌توانیم هنر را تجمل یا امتیازطلبی اجتماعی، یعنی از عوامل فرعی حیات اجتماعی بدانیم، به ناچار آن را یکی از عوامل اصلی حیات اجتماعی باید بدانیم «عاملی برای معیشت».

بنابراین انسان اجتماعی کنونی، ساخته و پرداخته تمام رفتارها و اعمال جوامع ابتدایی بوده و هست و هنروری یا هنرپیشگی از دیرباز عامل به دست آوردن امکانات زندگی یا به بیان دیگر معیشت وی بوده است.

### هنروری به عنوان یک نیاز زیستی نه «تفنن»

شایسته است که به اعتبار واقعیت‌های دوگانه هنر ابتدایی را کنیم، در آغاز باید یادآوری کنیم که از دیدگاه علم‌های اجتماعی، آن چه انسان را از دیگر جانوران متمایز کرده است چهار گونه

گروهی از  
هنرشناسان بر آن‌اند  
که انسان ابتدایی  
به قصد آن که خود  
را در جامعه ممتاز  
گرداند و با عزت و  
احترام به سر برد،  
به خویش‌ن آرای و  
محیط‌آرای پرداخته  
است

لایف‌سک برای حیات و رشد فرهنگی و غنای آن بوده است هرگز نمی‌توان، تنها تنوع‌طلبی یا تفتن دانست. به مرور زمان، تاخت‌وتازهای فرهنگ و هنر بیگانه در جامعه و ساختار هویتی آن، لزوم پردازش‌های هنری در جایگاه تخصص محض را کم‌رنگ کرده است و بدون شک آسیب‌های جدی به ساختار اجتماعی فرهنگی و اقتصادی شده است.

### ضرورت آسیب‌شناسی اجتماعی

شناخت جامعه و بررسی حرکت‌های فردی، گروهی، خانواده و اجتماع، یعنی بررسی میزان تأثیرگذاری آسیب‌های اجتماعی بر خردورزی و هنروری و انعکاس نامعقول و پیامدهای ناهنجار اجتماعی ضرورت اول است. پس از آن،

درک اهمیت محور بودن هنر و فرهنگ‌سازی اجتماعی به لحاظ انگیزشی همچون نیازی روحی، روانی برای فرد و اجتماع، ضرورت دوم است؛ نگرینستن به هنر دیده‌انگیزه، نه آویزه، زیرا آویزه آویختن به حلقه‌هایی هر چند پیوسته، اما گسیختنی و کوتاه‌مدت است.

سلامت و بهداشت روانی جامعه بازدارنده بسیاری از معضلات و بیماری‌های اجتماعی ناشی از وضعیت ناهنجار اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی است که سرانجام به رخدادهای اسفبار و آسیب‌های لاعلاج ملی می‌شود.

ضرورت سوم عبارت است از: به تثبیت رساندن پرداخت‌هایی هنری، هنرآفرینی و هنروری و تحکیم و استمرار حمایت‌های همه‌جانبه دولتی، ارگان‌ها و سازمان‌های مربوط به هنر. ایجاد اصناف و تشکل‌های توانمند برای حمایت و ایجاد پشتوانه و اعتماد در زمینه کارآفرینی و درآمدزایی نیز ضرورت دارد.

### لزوم توجه فرهنگی

محیط اجتماعی - فرهنگی مشخص‌کننده ویژگی‌های باوری، هنجاری و عادت‌های یک جامعه، به‌طور اعم و هر قوم و قبیله در مناطق مختلف کشور، به‌طور اخص است. شخصیت و طرز تلقی‌های افراد از فرهنگ آنها نشئت می‌گیرد؛ بنابراین شناخت فرهنگ داوطلبان استخدام در سازمان‌ها و گزینش افراد هم‌سو با فرهنگ سازمان، یک استراتژی مؤثر در مدیریت منابع انسانی است.

رفتارهای متأثر از فرهنگ، عمدتاً از ضمیر ناخودآگاه سرچشمه می‌گیرد و یا حتی اگر رفتار عقلایی تلقی شود، عقل نیز متأثر از باورها، ارزش‌ها، هنجارها و عادت‌های ویژه است. همان‌گونه که انسان برای بسیاری از رفتارهای فیزیولوژیک بدن خود، تصمیم‌گیری نمی‌کند. برای بسیاری از رفتارهای اجتماعی خود نیز تصمیم نمی‌گیرد و تصورش این است که عقلایی رفتار می‌کند.

صرف‌نظر از کلیاتی که برحسب ضرورت بیان شد، می‌توان آن را پایه و اساس مباحث بعدی خود برای استوار کردن یک الگوی پیشنه‌داری در زمینه کارآفرینی و نگرشی جدی و غیرتفتنی به هنروری یا هنرپیشگی به کار برد؛ شاید از این عنوان بیشتر برای هنرمندان بازیگر استفاده می‌شود.

در اقوام مختلف ایرانی از دیرباز بر حسب نیاز روحی و زیستی، هنروری و پرداخت‌های گوناگون هنری، به طوری که زبانزد عام و خاص است، پیوسته وجود داشته است و دارد؛ اما برای جامعه امروز بیش از پیش این ضروری است که مانند هر فعالیت اقتصادی و صنعتی دیگر، با نگاهی علمی و پرداخت‌های جدی و اصولی، چنانکه شایسته شأن و درخور آن است، نه تنها باید هنر را پیشه کرد، بلکه آن را وسیله‌ای علمی، هنری، صنعتی در عرصه رقابتهای جهانی و ابزار رفع بسیاری از نیازهای اجتماعی و رفع معضلات آن باید دانست.

انواع مشاغل و پیشه‌های هنری از دیرزمان در ایران نیز مانند دیگر سرزمین‌ها به خصوص در عرصه‌های هنرهای دستی وجود داشته است. در کتاب صنایع دستی کهن ایران اثر «پروفیسور هانس وولف آلمانی» از مشاغل و هنرهای صناعی زیادی نام برده شده است که برای مثال به موارد زیر اشاره می‌کنیم:

● **صنایع فلزی گوناگونی**، چون مسگری، جواهرسازی، زرگری و نقره‌کاری و قلم‌زنی فلزات، مهرتراشی، زرکوبی، زرکشی، گلابتون‌سازی، شبکه‌کاری؛

● **هنرهای چوبی** مانند درودگری، خراطی، خاتم‌کاری، معرق‌کاری، نقاشی روی چوب، کنده‌کاری روی چوب یا منبت‌کاری، گره‌چینی و آرسی‌سازی؛

● **صنایع ساختمانی و سرامیک‌سازی**، مانند کاشی‌کاری، سنگ‌تراشی یا حجاری، خرمهره‌سازی، کوزه‌گری و سفالینه‌سازی، لعاب‌سازی و سرامیک‌سازی، گچ‌بری و آجرچینی؛

● **صنعت و هنر نساجی و چرم‌سازی**، مانند رنگرزی پارچه، بافندگی، قالی‌بافی، سکه‌دوزی، نمدمالی، حصیربافی، زنبیل‌بافی، چاپ پارچه، گیوه‌سازی، قلم‌دان‌سازی، کفشگری، جلدسازی، پوستین‌دوزی و چرم‌سازی.

بسیارند حرفه‌هایی در طول زمان و در عرصه‌های مختلف تاریخی ایران که حتی نام بردن از آنها در این مقاله نمی‌گنجد و هنرهای ذکر شده، تنها مثنی نمونه خروار است. بسیاری از هنرها در زمانی منسوخ یا به نوعی پیشرفته‌تر تبدیل و تکنیک آن‌ها جدید شده است. بسیاری از آن‌ها مقتضایات و نیاز جوامع پدید آمده‌اند. و این زایش‌ها و دگرگونی‌ها، همچنان تا عصر ما ادامه داشته است و دارد.

پرواضح است، آنچه را تاکنون برای جامعه ما ابزاری



بسیاری از هنرها در زمانی منسوخ یا به نوعی پیشرفته‌تر تبدیل و تکنیک آن‌ها جدید شده است